

دختران فوتبال
امکانات برابر می‌خواهند

تیم ملی فوتبال زنان ایران شهرپور مسابقات مقدماتی قهرمانی آسیا را پیش رو دارد و باید خود را برای حضور در این رویداد مهم آماده کند. در این راستا تیم ملی بعد از دو سال تعطیلی بالاخره تشکیل شد و دو دیدار تدارکاتی با تیم‌های بلاروس و ازبکستان انجام داد. ملی‌پوشان در اولین دیدار حساب ۶ بر صفر مقابل بلاروس و در ادامه با نتیجه پنج بر صفر برابر ازبکستان شکست خوردند. در همین راستا فاطمه علیپور سرپرست تیم ملی از نیاز تیم به داشتن امکانات برابر با مردان خبر داد. او گفت: «وقتی با تیم‌های دیگر بازی می‌کنیم، امکانات، شرایط و فضایی که به زنان اختصاص می‌دهند شاید ناخواسته روی بازیکنان ما تاثیر گذارد و باید این بهت یک تیم استرس‌ناک داشته باشند. این یکی از مواردی بود که در نتایج دیدارهای دوستانه بی‌تاثیر نبود اما در بحث فنی حرف اول را نمی‌زند چون تیم ما یک ماه تشکیل شده بود و انتظار نداشتیم با دست بر مقابل رقیب حاضر شویم. از طرفی از اینداخواهان امکانات برابر با مردان بوده‌ایم اما بازیکنان حرفه‌ای یاد گرفته‌اند که در قالب فدراسیون و باشگاه‌های ایرانی کار می‌کنند و این حداقل امکاناتی است که در این شرایط می‌شد به آنها اختصاص داد که از نگاه ویژه خانم موسوی و آقای عزیزی خادم تشکر می‌کنم. شاید شرایط ایده‌آل نبوده اما باید این راه را پله به پله طی کنیم. بازیکنان هم باید بپذیرند که یک دختر ایرانی با چارچوب، پوشش و امکانات مشخص هستند که باید از خود گذشتگی داشته باشند، خود را نشان بدهند و کاری به امکانات نداشته باشند.»

منهای فوتبال

ملایی و آقامیرزایی،
المیپکی‌های قایقرانی

مسابقه قایقرانی آب‌های آرام انتخابی المپیک در دریاچه آزادی برگزار و در این مسابقه تکلیف کاروان اعزامی به المپیک در رشته کایاک ۱۰۰۰ متر مشخص شد. ابتدا قرار بود کسانی که مدعی هستند چهارشنبه با هم به رقابت بپردازند و سپس فردا برنده روز شنبه هفته آینده با علی آقامیرزایی که این سهمیه را به دست آورده، رقابت کند.

با توجه به اینکه تنها پیمان قویدل حاضر به رقابت شد از این رو رقابت نهایی روز گذشته برگزار شد. پیمان قویدل و علی آقامیرزایی به رقابت پرداختند و در پایان آقامیرزایی با ثبت زمان سه دقیقه ۴۷ ثانیه و ۹۳ صدم ثانیه اول و به عنوان قایقران اعزامی به بازی‌های معرفی شد. قویدل هم زمان سه دقیقه و ۵۷ ثانیه و ۳۱ صدم ثانیه را به ثبت رساند. به این ترتیب نازنین ملایی در روئینگ و علی آقامیرزایی در کایاک نمایندگان ایران در بازی‌های المپیک توکیو هستند. آقامیرزایی که خودش توانسته بود سهمیه المپیک را در ژان بگیری، هدفش را رسیدن به فینال A المپیک عنوان کرده است.

سهراب به جهانی می‌رود؟

بعد از آنکه سهراب مرادی نتوانست در مسابقات قهرمانی آسیا و گزینشی المپیک در تاشکند به رکورد امتیاز مورد نظر برسد، کار او برای رسیدن به سهمیه المپیک بسیار سخت شده و به اما و اگرها گره خورد. در نهایت نیز او نتوانست به سهمیه دسته ۹۶ کیلوگرم المپیک برسد، همانطور که کیانوش رستمی نیز شانس حضور در این رقابت‌ها را از دست داد و حالا قرار است علی داوودی و علی هاشمی در رشته وزنه‌برداری به توکیو بروند. سهراب مرادی از ابتدای اردوی تیم ملی در امرس، با وجودی که هنوز لیست المپیک‌ها اعلام نشده و او شانس حضور در المپیک را داشت، به اردوی تیم ملی نرفت. حالا باید دید با توجه به مصدومیت‌های متوالی که سهراب مرادی طی دو سال اخیر تجربه کرده، او چه برنامه‌ای برای آینده‌اش دارد؟ آیا برگزاری مسابقات جهانی ۲۰۲۱ در گرجستان او را وسوسه خواهد کرد که باز هم به ورزش قهرمانی ادامه دهد؟ او با از دست دادن سهمیه در مسابقات کلمبیا صحبت از خداحافظی کرده بود.

داستان یک تیم تسلیم‌نشدنی

اینجا چراغی روشنه...

آریارهنورد

وقتی دور رفت مرحله مقدماتی جام جهانی تمام شد، فقط یک راه برای زنده ماندن پیش روی تیم ملی بود. «بگردن» تنها گزینه روی میز تیم ملی بود و پسران ایران، به خوبی از این گزینه استفاده کردند. برای آنها، نام تیم حریف هیچ فرقی نداشت. آنها با همه وجود به زمین مسابقه رفتند و با چهار برد متوالی، چشم‌ها را خیره کردند. این تیم در اوج شایستگی، صدرنشین شد و حق واقعی‌اش را از این گروه گرفت. این تیم نشان داد که نسبتی با کنار کشیدن و تسلیم شدن ندارد. این تیم، شادی را دوباره به هواداران پر شمارش هدیه کرد.

برای یک لحظه هم که شده، شب شکست تیم ملی در مسابقه رفت روبه‌روی عراق را به یاد بیاورید. شبی که انگار دنیا روی سر هواداران تیم ملی خراب شده بود. آن روز از جام جهانی دور به نظر می‌رسیدیم و در یک روند ناامیدکننده، حتی ممکن بود شانسی برای رسیدن به جام ملت‌های آسیا هم نداشته باشیم. آن شب، تصور رسیدن به چهار برد پیاپی در دور برگشت، به شدت دشوار بود اما ستاره‌های تیم ملی، نشان دادند که متخصص نتیجه گرفتن زیر فشار هستند. حتی یک لغزش کوچک کافی بود تا این تیم همه چیز را از دست بدهد اما ایران نه فقط منطقه صعود، بلکه حتی صدر جدول گروه را پس گرفت. بحرین حتی با وجود میزبانی دور

برگشت، نتوانست مقابل تیم ملی حرفی برای گفتن داشته باشد و در نهایت این عراق بود که ناچار شد به اما و اگرها برای صعود چشم بدوزد. شاید وقتش رسیده بود که چیزهای زیادی را به خودمان، حریفان مان و قاره آسیا ثابت کنیم. شاید وقتش رسیده بود نشان بدهیم که در سرنوشت‌سازترین روزها، چقدر می‌شود روی ستاره‌های تیم ملی حساب کرد. این بار دیگر خبری از ناکامی و ناامیدی نبود. این بار حقیقتاً قصد حذف شدن نداشتیم و تقریباً هیچ موقعیت گل خطرناکی به حریف ندادیم. این پیروزی مهم، تاوان کنترل درخشان تیم ملی در همه دقایق این مسابقه بود.

کاری که در اگان اسکوچیچ انجام داد، بی‌نیاز نیست تحسین برانگیز است. او سرمربی تیمی شد که بدترین نتایج ممکن را پشت سر گذاشته بود. تیمی که ویروس کرونا، بارها و بارها برنامه‌هایش را به هم ریخت. شاید خیلی از مریدان خارجی، در چنین موقعیتی مسئولیت‌شان را رها می‌کردند و اصلاحی تیم ملی را می‌زدند اما اسکوچیچ پای این پروژه ایستاد و حتی در اوج دوران کرونا به ایران سفر کرد. او هم بازی‌های لیگ را به خوبی زیر نظر گرفت و هم ژوئینو را به خوبی دید تا یکی از کم‌اشکال‌ترین فهرست‌های سال‌های گذشته تیم ملی را مهیا کند. نتیجه انتخاب یک

چهره به چهره

نفر به نفر با ستاره‌های تیم ملی روبه‌روی عراق

وقتی همه «خوب» بودند

آریاطاری

گرفتند این بازیکن را عصبانی کنند، شجاع آرامش‌اش را حفظ کرد تا یک شب ایده‌آل را در منامه پشت سر بگذارد.

محمد حسین کنعانی زادگان

مثل همیشه قرص و محکم در قلب خط دفاعی تیم ملی ایستاد. زوج او و شجاع، هماهنگی قابل توجهی دارند و به نظر می‌رسد که می‌توانند در مراحل حساس بعدی نیز به خوبی به تیم ملی کمک کنند. دو کلین شیت روبه‌روی بحرین و عراق، هرگز «تصادفی» برای تیم ملی به دست نیامده است.

احسان حاج‌صفی

بالاخره نشان داد که چرا هیچ‌وقت نباید در ناامید شدن از یک کاپیتان عجله کرد. احسان در مسابقه‌های قبلی چندان آماده نبود اما حجم انتقادهای او غیرمنصفانه به نظر می‌رسید. کاپیتان تیم ملی اما در بهترین زمان ممکن به فرم آرمانی برگشت و دوباره آمادگی‌اش را به دست آورد. درست وقتی بیشتر از همیشه به حاج‌صفی نیاز داشتیم، او با یک پاس گل فوق‌العاده سردار آزمون را در موقعیت گل‌زنی قرار داد. احسان در پست دفاع چپ، یکی از بهترین‌های تیم ملی در نبرد با عراقی‌ها به شمار می‌رفت.

احمد نوراللهی

حالا دیگر به یک وزنه مهم در خط میانی تیم ملی ایران بدل شده است. ویژگی مهم احمد در این مسابقه، پاس‌های سالم و عالی این بازیکن بودند. او کم‌تر از قبل اقدام به شوت‌زنی کرد و کمی بیشتر از گذشته با دروازه حریف فاصله داشت. نوراللهی وسط زمین، کاملاً مسلط نشان داد و تقریباً مرتکب هیچ اشتباه بزرگی نشد. اهمیت این نمایش زمانی بیشتر معلوم می‌شود که به یاد بیاوریم، او با تصمیم به شدت سختگیرانه داور مسابقه، در همان دقایق ابتدایی مسابقه با کارت زرد روبه‌رو شده بود. اتفاقی که برای یک هافبک تدافعی، مثل یک کابوس به نظر می‌رسد.

سعید عزت‌اللهی

باید بپذیریم که سعید، هنوز آن بازیکن

فهرست ایده‌آل، آمادگی مثال‌زدنی تیم ملی در سرنوشت‌سازترین روزها بود. شاید خیلی‌ها انتظار می‌کشیدند که تیم ملی بیازد و در اگان را به باد انتقاد بگیرند اما این مربی مسیر همه پیش‌بینی‌ها را تغییر داد. او «اولین» برد تاریخ تیم ملی در منامه را ساخت و

سپس پس از «۱۰ سال» اولین برد تیم ملی در یک مسابقه «رسمی» روبه‌روی عراق را رقم زد. کار بزرگ بعدی اسکوچیچ، رسیدن به هفت پیروزی متوالی در هفت تجربه اول هدایت تیم ملی ایران است. او

تا امروز بهترین شروع تاریخ یک سرمربی در تیم ملی ایران را خلق کرده است.

تیم ملی، به همه خواسته‌هایش در این مرحله رسیده اما تصور اینکه کار همین‌جا تمام شده، ساده‌انگارانه خواهد بود. ما برای رسیدن به جام جهانی، باید یک مرحله بسیار سخت دیگر را روبه‌روی غول‌های درجه یک آسیا پشت سر بگذاریم. جایی که تیم ملی ممکن است در معرض رقابت با رقبایی مثل ژاپن، استرالیا، کره جنوبی، عربستان و قطر قرار بگیرد. حتی عمان یا برانکو ایوانکوویچ هم می‌تواند یکی از غافلگیری‌های آسیا در این مرحله باشد. تا

اینجا، کار به درستی پیش رفته و ایران به موقع به مسابقات برگشته اما برای صعود از مرحله بعدی، باید به مراتب آماده‌تر و بی‌نقص‌تر نشان بدهیم.

شاید حتی نمایشی که برابر بحرین و عراق پشت سر گذاشتیم، برای رسیدن به پیروزی‌های بزرگ در مرحله بعدی کافی نباشد. اگر بیش از حد روی نتیجه این چند مسابقه متوقف شویم، آینده جذابی

تیم ملی، به همه
خواسته‌هایش در این
مرحله رسیده اما تصور
اینکه کار همین‌جا تمام
شده، ساده‌انگارانه خواهد
بود. ما برای رسیدن به جام
جهانی، باید یک مرحله
بسیار سخت دیگر را
روبه‌روی غول‌های درجه
یک آسیا پشت سر بگذاریم

در انتظارمان خواهد بود. تیم ملی باید از همین حالا، از فکر کردن به گذشته دست بردارد و همه حواسش را معطوف آینده کند. آنچه واضح به نظر می‌رسد، این است که ما یک تیم رویایی و یک نسل درخشان داریم. شاید در کم‌ترین مقطعی در طول تاریخ، تیم ملی ایران نمی‌تواند تا این حد آماده و سرحال در اختیار داشته است. برای باور این فرضیه، کافی است بدانیم مهره‌های درجه یکی مثل مرتضی پورعلی‌گنجی، کریم انصاری‌فرد و مهدی

ترابی، حتی یک دقیقه هم روبه‌روی عراق به میدان نرفتند. این تیم باید سقف آرزوهای به مراتب بلندتری داشته باشد. این تیم باید دست به کارهای بزرگ‌تری بزند. شاید بردن عراق، فقط یک «شروع» باشد. شروع موفقیت‌هایی تاریخی برای تیمی که قرار است در سال‌های پیش‌رو، چشم‌ها را خیره کند و بردهای بزرگی را جشن بگیرد.

است. مدت‌ها بود که سردار رادر تیم ملی تا این اندازه آماده ندیده بودیم. او با حفظ کردن این فرم، در مرحله بعدی دور مقدماتی هم می‌تواند گره بازی‌های بزرگ را برای تیم ملی باز کند.

میلاد محمدی

در ۲۰ دقیقه پایانی وارد زمین شد و جای احسان حاج‌صفی را در سمت چپ دفاع گرفت. این تعویض از آن جهت مهم به نظر می‌رسد که حاج‌صفی کمی خسته شده بود و عراقی‌ها از آن سمت به تیم ملی فشار می‌آوردند. میلاد در دفاع اشتباهی نداشت و چندین بار هم به خط حمله ملحق شد تا به حفظ توپ نفرات تیم ملی در زمین حریف کمک کند. انرژی میلاد برای ایران، در حساس‌ترین دقایق بازی به شدت کمک‌کننده بود.

میلاد سرلک

تا پایان مسابقه بحرین، در اردوی تیم ملی حضور نداشت اما در همین زمان کم‌انقدر اعتماد اسکوچیچ را جلب کرد که توانست در دقایق پایانی مسابقه با عراق هم به میدان برود. در این دقایق، توپ چندانی به میلاد نرسید اما انتظار می‌رود که او با یای ثابت اردوهای بعدی تیم ملی باشد. سرلک به لحاظ آمادگی، در فرم بسیار خوبی به سر می‌برد.

سامان قدوس

همه انتظار داشتند سامان از همان ابتدا در ترکیب قرار بگیرد اما اسکوچیچ با یک تصمیم غیرمنتظره، او را از ترکیب اصلی بیرون گذاشت. قدوس در لحظات پایانی وارد زمین شد و حرکات ترکیبی ایده‌آلی هم با علی قلی‌زاده داشت. قدوس در همین لحظات کم، کلاس بازی‌اش را به همه نشان داد.

کاوه رضایی

تنها چند دقیقه در زمین بود اما یک فرار دیدنی و یک پاس‌علی را تجربه کرد. پاسی که اگر همبازی کاوه کمی دقت کرده بود، به یک پاس گل برای این ستاره تبدیل می‌شد.

مهدی قایدی

باز هم خیلی خوب خودش را در موقعیت گل‌زنی قرار داد اما این بار تقریباً توپ را از مقابل دروازه خالی بیرون زد. آخرین لمس توپ مسابقه با عراق، سهم ستاره جوان و تکنیکی تیم ملی بود.

باور اینکه این فوتبالیست چقدر آماده است، کافی است به پاس استادانه او به حاج‌صفی در صحنه رقم خوردن گل اول نگاه کنیم. در حقیقت قلی‌زاده، سازنده اصلی این گل بود و مثل همیشه در مهم‌ترین لحظات، به کمک تیم ملی آمد. علی با تلاشی خستگی‌ناپذیر و تکنیکی مثال‌زدنی، تا اواخر بازی در زمین حضور داشت و نمایشی بی‌نظیر را هم سپری کرد.

مهدی طارمی

اواخر بازی، بازوبند کاپیتانی را بست و این بازوبند، چقدر برازنده‌اش بود. مهدی طارمی حالا دیگر آن جوان پرشور و شور سابق نیست. او به یک مهاجم کارکشته در تیم ملی تبدیل شده و هماهنگی بسیار خوبی هم با سردار آزمون دارد. مهدی در جریان مسابقه با عراق آنقدر دوید که حتی غیبت مهره دوندۀ‌های مثل وحید امیری در این مسابقه به چشم نیامد. او البته مرتکب یک اشتباه هم شد و در حالی بعد از سوت داور به توپ ضربه زد که چیزی نمانده بود اخطار دوم را دریافت کند و به همان سرنوشت مسابقه معروف پور تو و پوونتوس دچار شود. مهدی خوش‌شانس بود که داور این صحنه را ندیده گرفت.

سردار آزمون

بیشتر از هر بازیکن دیگری، از این صعود دراماتیک سهم داشته است. بازیکنی که در ۱۸۰ دقیقه مسابقه رفت با بحرین و عراق حتی یک گل نزده بود، حالا ۱۸۰ دقیقه در برگشت را با زدن سه گل روبه‌روی این دو تیم به پایان رساند. او با بغل پای دقیق و محشری که به عراق زد، نشان داد که چقدر فرصت‌طلب

